

زبان شیرین شعر

در جست‌وجوی مخاطب ایده‌آل



شاعر تا چه اندازه می‌تواند به وجود مخاطب ایده‌آل دلخوش باشد و در پرداخت اثرش، بر دانسته‌های ذهنی خواننده و شنونده

شعرش تکیه کند و براساس آن چیزهایی که حدس می‌زند، مخاطب شعرش بداند چیزی بنویسد که درک کامل آن، وابسته به اطلاعات مخاطب باشد؟ شاید به‌نظر برسد که آفرینش یک شعر، یک کار فردی و مستقل است که در خلوت شاعر شکل می‌گیرد و بی‌نیاز از وابستگی‌های گروهی یا حتی بی‌نیاز از وابستگی به شخص دوم است اما واقعیت چیز دیگری است؛ حقیقت این است که شاعر نه‌تنها هنگام خلق اثر خود، همچون عضوی فعال در یک کار گروهی، بر توانایی‌ها و دانسته‌های ذهنی هم‌گروهی‌هایش (یعنی مخاطبان شعرش) تکیه می‌کند، بلکه فراتر از آن، بسیار امیدوار به یافتن یک مخاطب ایده‌آل برای شعرش است؛ یعنی مخاطبی از آن نوع که هم توانایی ذهنی بالایی داشته باشد و هم حوزه اطلاعات و دانسته‌هایش گسترده باشد، همچنین تاحد زیادی با علایق و سلیاق شاعر، همسو و هم‌جهت باشد.

درحقیقت در گروهی از صنایع ادبی که بر پایه تناسب‌ها شکل می‌گیرند، شاعر تکیه بر دانسته‌های ذهنی مخاطبانش دارد و می‌داند آنچه می‌گوید، چیزهایی را که نمی‌گوید، در ذهن مخاطب تداعی می‌کند.

چراکه آن بخش ناگفته، از قبل در ذهن مخاطب وجود دارد. درواقع اگر شاعر تصویری در شعرش بیاورد که مخاطب، شناخت قبلی نسبت به اجزای آن یا واقعیت آن نداشته باشد، از آنجایی‌که آنچه در ذهن شاعر است به ذهن مخاطب‌ خطور نمی‌کند، چیزی در ذهن او تداعی نمی‌شود و آن تصویر از دست می‌رود و نابود می‌شود.

مثلا در مجاز مرسل با علاقه ماکان و مایکون، اگر مخاطب نداند که انسان از خاک آفریده شده و درنهایت نیز دوباره خاک می‌شود، از این بیت عطار نیشابوری و این سطرهای سهراب سپهری چه می‌فهمد: «آفرین جان‌آفرین پاک را/ آن‌که جان بخشید و ایمان، خاک را» و ... و هواپیمایی/ که در آن اوج هزاران‌پایی/ خاک از شیشه‌آن پیدا بود»

یا در مراعات‌النظیر، مثلا اگر مخاطب، ارتباط میان «دفتر»، «گاه» و «گندم» را نداند، با این شعر قیصر امین‌پور چقدر ارتباط برقرار می‌کند: «و برگ‌های کاهی شغم را./ شعری که در ستایش گندم نیست./ یک جو نمی‌خرند»

یا در «ایهام» (همچنین ایهام تناسب و ایهام تضاد)، اگر مخاطب از ابعاد معنایی گوناگون یک واژه بی‌خبر باشد و مثلا نداند که واژه «مردم» به‌معنی مردمک چشم هم هست، از این بیت حافظ چه لذتی می‌برد: «ز گریه مردم چشم نشسته در خون است/ ببین که در طلبت حال مردمان چون است»

و اگر نداند که واژه «بازی» معنای «ادای عقاب درآوردن» هم می‌دهد، از این شگفت‌کاری سعدی چه می‌فهمد: «به‌راستی که نه همبازی تو بودم من/ تو شوخ‌دیده مگس بین که می‌کند بازی»

یا در تلمیح، اگر مخاطب داستان مورد اشاره شاعر را نداند، مثلا اگر از ماجرای قنقوس و شیوه‌ی بازی‌رسانی‌اش به‌رستم بی‌خبر باشد، چقدر می‌تواند محتوای این شعر شفیع‌ی کدکنی را دریابد: «گفته بودی گاه سختی‌ها/ در حصار شوربختی‌ها/ پرتو در آتش اندازم، به یاری خوانمت باری/ اینک اینجا شعله‌ای برجا نمانده در سیاهی‌ها/ تا پرت در آتش اندازم»

یا جالب‌تر از همه، در اغراق، اگر مخاطب از حقیقت و واقعیت امر بی‌اطلاع باشد، از کجا می‌تواند بفهمد که شاعر در بازتاب ماجرا، بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی کرده است؟ مثلا این اغراق مشهور شاهنامه فردوسی را ببینید: «ز شَم ستوران در آن پهن‌دشت/ زمین شش شد و آسمان گشت هشت»

اگر خواننده و شنونده این بیت نداند که در باور قدما، آسمان هفت لایه و زمین هم هفت لایه بوده است، اغراق موجود در بیت را درک نمی‌کند و نمی‌فهمد که منظور شاعر این بوده که از شدت به هوا برخاستن گردوخاک در میدان رزم، یک لایه از هفت لایه زمین به آسمان رفته و به هفت لایه آسمان اضافه شده است.

معرفی چهره‌های هنر انقلاب در عرصه ادبیات

دومین شب تقدیراز چهره‌های برگزیده هنر انقلاب با تقدیراز پژوهش‌گران و نویسندگان در حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم، کیانوش معتقدی به دلیل هنرگردانی و گردآوری نمایشگاه «آینه در آینه» (مسوزه هنرهای معاصر)، سیده راضیه یاسینی به دلیل انجام پروژه پژوهشی «جریان‌شناسی اندیشه‌ای



نمونه‌ای از شعر اعتراضی در جریان مبارزات انقلابی مردم ایران

شعر اعتراض روح اصیل هنر انقلاب

پرونده ویژه جام جم در هفته هنر انقلاب؛

بررسی جایگاه شعر اعتراض در هنر انقلاب اسلامی

است. یعنی شعر اعتراض تلاش می‌کند با تذکر و یادآوری نسبت به آرمان‌های انقلاب اسلامی از بروز تحریفات پیشگیری کند.

اسلامی است. او می‌گوید: هر انقلابی اهداف و آرمان‌ها و مسیری را برای رسیدن به آن اهداف و آرمان‌ها برای خودش تعریف می‌کند. اما به‌طور طبیعی افراد و مجموعه‌هایی وجود دارند که یا به علت انحرافات، یا منافع یا نپذیرفتن و فهم آرمان‌های آن انقلاب، از مسیر اصلی منحرف می‌شوند و به نوعی خطر و تهدید برای آن انقلاب به شمار می‌آیند. شفیع‌ی در ادامه عنوان می‌کند: شعر اعتراض شعری است که تلاش می‌کند انحرافاتی که ممکن است در مسیر اصلی انقلاب ایجاد شود را نشان دهد و فریاد بزند و بلکه گاهی حتی تهدیدهای پیش روی انقلاب را نیز فریاد بزند. این شاعر جوان کشورمان تصریح می‌کند، این روش حتی ممکن است به پیشگیری از ظهور اقات آن انقلاب نیز منجر شوند. از این‌رو شعر اعتراض نه‌تنها تعارضی با هنر انقلاب ندارد بلکه شعر اعتراض تلاش می‌کند تا جریان انقلابی‌را از افراد، رفتارها و جریان‌های آسیب‌زا پیراسته کند. شفیع‌ی عنوان می‌کند: یکی از مهم‌ترین کارهایی که شعر اعتراض انجام می‌دهد تذکر و یادآوری آرمان‌هایی است که انقلاب اسلامی برای جامعه تعریف کرده

بر کسی، ملتی یا موضوعی ظلم و ستم وارد شد اصولاً هنر قابلیت این را دارد که فریاد دادخواهی و یاری‌طلبی برآرد تا مردم را علیه ستمگر متوجه کند. عرفان‌پور ادامه می‌دهد: یکی از مهم‌ترین ساحت‌های هنر انقلابی ما باید همین هنر اعتراض باشد. اگر هنر ما تنها به موضوعات محدودی ورود پیدا کند و به اصطلاح محصور در موضوعات خاص بماند، ما شاهد ابتر و مضمحل شدن هنر انقلاب اسلامی خواهیم شد.

اعتراض هم در ذات هنر است و هم انقلاب

محمد مهدی سیار، یکی دیگر از شاعران جوان نیز در گفت‌وگو با جام‌جم درباره هنر اعتراض می‌گوید هنر انقلاب، خودش را پایبند و محافظ آرمان‌های انقلاب می‌داند و توجیه‌گر عینیت اتفاقاتی نیست که در صحنه جامعه رخ داده است. به نظر بنده برای حفظ اصالت و جهت‌گیری اصیل انقلاب، لازم است که هنرمندان هرگز خودشان را درگیر وضع موجود نکنند. ضمن این‌که نگاه واقع‌گرایانه به وضع موجود داشته باشند. همچنین لازم است با نگاه آرمان‌گرایی خودشان مدام وضعیت مطلوب را پیش‌روی جامعه بیاورند و همیشه با مقایسه وضع موجود با آرمان‌ها و وضعیت مطلوب، زمینه

در مجلات فرهنگی هنری پس از انقلاب اسلامی ایران»، محمد علی رجیبی دوانی به دلیل انتشار کتاب‌های تجسم حماسه و مشق خویان و نیز پیشبرد کلان پروژه پژوهشی «هنر فطری»، محمدرضا آریان‌فر به خاطر خلق رمان سه‌گانه نوجوان دفاع مقدس و کسب عنوان‌های متعدد از جشنواره‌های ادبی ازجمله کسب جایزه ادبی

شهید حبیب غنی‌پور برای رمان «طوقی»، عبدالرحمن اونق به خاطر کسب مقام برگزیده دومین جشنواره شهید اندرگو برای رمان «ماتی‌خان» و حسین قربان‌زاده به‌دلیل کسب جوایز متعددی بابت رمان نوجوان «رد انگشت‌های اصلی» به عنوان چهره سال هنر انقلاب در عرصه ادبیات و پژوهش معرفی شدند.



پس از ۲۰ فروردین سال ۱۳۷۲، با پیشنهاد جمعی از هنرمندان سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی «روز هنر انقلاب اسلامی» نام‌گذاری شد. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران در دنیا و در نوع خود بی‌نظیر بود، به‌جز تحت‌الشعاع قرار گرفتن مسائل سیاسی کشور، سایر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری نیز تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفت. هنر در قالب بستر انقلاب اسلامی در معنای دقیق‌تر واژه قرار گرفت و آنگاه هنر انقلاب اسلامی متولد شد. از این‌رو بسیاری از مضامین و شاخه‌های هنری نیز در هنر انقلاب اسلامی تعریف شد و هنرمندان براساس این‌دئولوژی‌ها و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی به تولید آثار هنری دست‌زدند. اما در این میان، مضامینی وجود دارد که روح هنر انقلاب محسوب می‌شود و اگر این مضامین نباشند، هنر انقلاب تنها عنوانی دکوری و فانتزی به شمار خواهد آمد و آن روح، روح «مبارزه و اعتراض» است. هنر انقلاب همیشه کوشیده است تا مسائلی را بیان کند که از دل پر تکاپوی اجتماع به‌عنوان دغدغه و چالش، مطرح است و همین امر سبب شده است تا مبارزه و اعتراض نسبت به بی‌عدالتی قسمت‌پرننگ هنر انقلاب اسلامی به‌شمار آید. شهید آوینی می‌گوید: «مبارزه آنگاه پایان خواهد گرفت که انقلاب از ماهیت اسلامی خویش دور شود». می‌توان از این سخن سید شهیدان اهل قلم این‌گونه نتیجه گرفت که هویت انقلاب اسلامی در مبارزه معنا پیدامی‌کند و البته هنر انقلاب اسلامی نیز هنری مبارز و معترض است. بنابراین می‌توان گفت هنر اعتراض و به‌خصوص شعر اعتراض، وام‌دار روح آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی است.



زینب مرزوقی

فرهنگ و هنر

مسیرهای اعتراض

سیار می‌گوید: تا قبل از پیروزی هر انقلابی، هنر آن انقلاب، هنری اعتراضی است. پس از پیروزی آن انقلاب، هنرمند ممکن است دو مسیر را طی کند. یک مسیر بی‌اهمیتی، بی‌خیالی و توجیه وضع موجود است و مسیر دیگر تأکید و پافشاری بر آرمان‌ها و راضی‌نشدن به وضع موجود. مسیر اول، مسیری خنثی و غیراجتماعی در هنر است و مسیر دوم، به هنری همچنان معترض و انقلابی منتهی می‌شود.



تعهد، مرز میان هنر معترض انقلاب و هنر معترض به انقلاب

عرفان‌پور همچنین درباره این مساله که تفاوت هنر اعتراض در قالب هنر انقلاب با هنر اعتراض خارج از قالب انقلاب اسلامی چیست؛ می‌گوید: مرز میان هنر معترض انقلاب اسلامی و هنر معترض به انقلاب اسلامی، تعهد به آرمان‌هاست. اگر در چارچوب تعهد به عدالت علوی ما نسبت به مساله‌ای در جمهوری اسلامی معترض شویم، اعتراض ما زیر سؤال بردن نظام اسلامی نیست بلکه دلسوزی و شفقت نسبت به نظام اسلامی است و در اینجااست که مرزبینی میان هنر اعتراض انقلاب اسلامی و هنر اعتراض به انقلاب اسلامی مشخص می‌شود. او همچنین درباره این‌که چگونه می‌توانیم هنرمندان متعهد بیشتری نسبت به هنر انقلاب داشته باشیم تصریح می‌کند: این امر منوط به این است که هنرمندان ما، هنرمندان دغدغه‌مندی نسبت به موضوعگیری درخصوص مسائل جامعه باشند. چند سال گذشته شاهد بودیم که یکی از شاعران ما اشاره‌ای به این امر داشت که شاعر نیاید واکنش صریح داشته باشد و شعر باید در همه ده‌ها و سده‌ها استفاده شود و اشاره به موفق خاص تاریخی نداشته باشد.

پس از این صحبت‌ها، رهبر معظم انقلاب در دیدار با شاعران فرمودند شاعر باید اهل واکنش سریع باشد. نه بدان معنا که تمام اشعار یک شاعر سریع و مرتبط با یک مناسبت باشد بلکه به این معنا که شاعر بی‌تفاوت به تحولات پیرامون خود و رویارویی‌های حق و باطل در روزگار خود نباشد. این نشان می‌دهد که موضع‌مندی شاعر مساله مهمی است. طبعاً شاعری که مدتی برای شعر خود وقت می‌گذارد، به نتیجه بهتری می‌رسد اما در بسیاری از موقعیت‌ها در آنی شاعر باید موضع خودش را روشن کند چراکه پس از

شعر اعتراض مانند درد عمل می‌کند

شفیع‌ی می‌گوید: اگر یک فساد اقتصادی اتفاق بیفتد که قطعاً این مساله با آرمان‌های انقلاب اسلامی ناسازگار است، شعر اعتراض به میدان می‌آید و آرمان عدالت اقتصادی را یادآوری می‌کند. بر آفت فساد اقتصادی دست می‌گذارد و فریاد می‌زند تا جامعه متوجه این آفت و آسیب شود برای این‌که توجه ساختار نظام اسلامی را به گوشه‌ای که در آن فساد رخ داده است، جلب کند. آنگاه مردم و ساختار نظام اسلامی درد و بیماری پیش آمده برای انقلاب اسلامی را متوجه می‌شوند و برای درمان اقدام می‌کنند. در واقع هنرمند، بیانگر درد جامعه خودش است. بنابراین شعر اعتراض مانند درد در زمان بیماری عمل می‌کند. کاری که درد انجام می‌دهد،

انسان را نسبت به یک خلل و بیماری متوجه می‌کند و آن وقت است که انسان به فکر درمان می‌افتد. شعر اعتراض نیز برای انقلاب اسلامی همین کار را انجام می‌دهد و دردی را فریاد می‌زند تا این هشدار، جامعه را به سمتی ببرد که قطار انقلاب اسلامی به ریل اصلی خودش بازگردد.

